

درباره قبیله قساوت و جنایت

در هیچ یک از ادوار اسلامی به خاطر تفاوت نژاد و مذهب، هیچ قتل عامی مشاهده نشد. در تاریخ اسلام هیچگاه قتل عام یهودی و مسیحی و زرتشتی و سایر ادیان را شاهد نبودیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، علی اکبر ولایتی در یادداشتی نوشت: یاد و خاطره مجاهد نستوه، سید مقاومت، شهید سید حسن نصرالله و دیگر هم‌زمان و فرماندهان بزرگ در فلسطین، لبنان و کل جبهه مقاومت را که به دست رژیم جنایتکار صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند گرامی می‌دارم و برای آنها غفران الهی را آرزومندم. شهید سید حسن نصرالله یک فرمانده بی‌نظیر بود که عمر با برکت خویش را در راه اعتلای اهداف اسلامی و مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از مردم مظلوم فلسطین صرف کرد.

در این روزهای سخت متأسفانه استمرار جنایات هولناک رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان، قلب هر انسانی را آزرده می‌سازد.

جنایات این رژیم در کشتار مردم بی‌دفاع و مظلوم غزه و لبنان مسأله مهمی است که هیچ انسان آزاده‌ای نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

وظیفه ما به عنوان مسلمان، رساندن فریاد مظلومانه مردم فلسطین و لبنان به دنیاست. متأسفانه شاهدیم که چگونه سازمان‌های بین‌المللی و برخی کشورها در برابر جنایات رژیم صهیونیستی سکوت کرده‌اند.

دشمنان و حامیان این رژیم سفاک باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور اصلی جبهه مقاومت در کمک و حمایت از مردم بی‌دفاع فلسطین و لبنان از هیچ کمکی دریغ نخواهد کرد و با یاری خداوند متعال رژیم صهیونیستی که امروز در بدترین شرایط خود به سر می‌برد، سزای این جنایات بی‌رحمانه‌اش را خواهد دید.

متأسفانه امروزه به خاطر فقدان ایمان در بسیاری از رؤسا و حاکمان کشورهای غربی حامی رژیم صهیونیستی و صرفاً تکیه بر علم بدون اعتقاد، بیش از هر زمان دیگری در تاریخ جهان، ظلم تعمیم یافته و هر اقدام ظالمانه‌ای مباح تلقی می‌شود و به کمک شیپور تبلیغات غربی، «معروف» را «منکر» و «منکر» را «معروف» جلوه می‌دهند.

امروز وظیفه عالمان و استادان و مدیران دانشگاه‌ها و مراکز علمی سنگین‌تر از گذشته است. زمانی که تمدن اسلامی در اوج خود بود، بزرگمردی چون خواجه نظام الملک طوسی در مقام صدارت «آلپ ارسلان» و «ملکشاه سلجوقی» و با مدیریت بر رُبع مسکون که از کاشغر تا حلب ادامه داشت، از ایران عزیز و بزرگ در حدود ۳۰ سال، کشوری ساخته بود که مورد بُهت و حیرت حاسدان و دشمنان بود و در سال ۴۶۳ هجری، «بیزانس» (روم شرقی) را در نبرد «ملازگرد» در هم شکست و آوازه شهرت فرهنگ و تمدن اسلامی را تا نزدیک شرق و مرکز اروپا گسترش داد.

در هیچ یک از ادوار اسلامی به خاطر تفاوت نژاد و مذهب، هیچ قتل عامی مشاهده نشد و سایه عدالت اسلامی و عطوفت مسلمانان بر همه جا گسترده بود. در تاریخ اسلام هیچگاه قتل عام یهودی و مسیحی و زرتشتی و سایر ادیان را شاهد نبودیم ولی به گواه تاریخ در اروپای مدعی تمدن از حدود هزار سال پیش تا کنون ۱۹ بار در کشورهای اروپایی، یهودی‌کشی اتفاق افتاده که یک بار آن، ۹۰۰ نفر یهودی را در «استراسبورگ فرانسه» به تیرهایی چوبی بستند و زنده زنده آتش زدند.

برای اینکه تفاوت شرق و غرب، اسلام و غیر اسلام را بدانیم این نکته قابل تأمل است که بعضی از فلاسفه مشهور یونان معتقد بودند که: «انسان‌ها دو دسته هستند یا یونانی‌اند یا وحشی (بربر)». نقش تمدن اسلامی با تحقیقاتی که پژوهشگران انجام داده‌اند بیشتر و زیربنایی‌تر از تمدن غربی است.

پایه‌گذار فلسفه درست، معلم ثانی «ابونصر فارابی» و بنیانگذار مقولات کلی در فلسفه «شیخ الرئیس ابوعلی سینا» بود و تا زمانی که شفای ابن سینا ترجمه نشده بود، اصلاً بزرگان فلسفه غرب از مقولات کلی هیچ تصویری نداشتند.

کسی که قطب شمال را کشف کرد، «ابن رُسته اصفهانی» در قرن سوم بود که از اروپا، به تعبیر امروز کاروان مسافر تنظیم می‌کرد و برای سیر و سیاحت به «قطب شمال» یا «منطقه ظلمات در زمستان» می‌برد. در جغرافیا «ابن ادریس» در «جزیره گُرس فرانسه» مستقر بود و در نحوه دستیابی به راه‌های دریایی آنها را راهنمایی می‌کرد.

اولین کسی که دماغه امیدنیک را کشف کرد «احمد ابن ماجد» مسلمان شیعه مستقر در دریای احمر بود که پرتغالی‌ها با راهنمایی او توانستند آفریقا را دور زده و به شرق آسیا برسند.

«سلیمان سیرافی بوشهری» اولین کسی بود که راه دریای چین را کشف کرد و قبل از آن همه فکر می‌کردند که راه چین فقط از طریق خشکی است.

«محمد ابن موسی خوارزمی» بنیانگذار جبر، مسلمان شیعه اهل خوارزم بود و پایه‌گذار شیمی مدرن. «جابر ابن حیان» شاگرد امام جعفر صادق (ع) بود که حداقل ۱۲۰ رساله از شیمی به وی نسبت داده‌اند و کسی است که اولین بار «جوهر شوره» یا «اسید نیتریک» را کشف کرد. همچنین «محمد ابن زکریای رازی» که در درک و فهم علوم شیمی نقش اساسی داشت و اولین بار از «سولفات دو ظرفیتی آهن»، «اسید سولفوریک» استخراج کرد و «الکل اتیلیک» یا «اتانول» را کشف کرد و از روده بز، نخ بخیه ساخت و با تدخین تریاک، مریض را بی‌هوش کرده و جراحی می‌کرد و با نخ بخیه بدن وی را می‌دوخت.

برای اطلاع و یادآوری، فهرست بعضی دیگر از ابداعات و کشفیات مهم علمی که توسط دانشمندان مسلمان و اغلب ایرانی صورت گرفته به عرض می‌رسد:

«ابوسعید سجزی» برای اولین بار اثبات کرد که برعکس نظریه «بطلمیوس»، زمین به دور خورشید می‌چرخد و نه خورشید به دور زمین.

«ابوریحان بیرونی» برای اولین بار خط استوا را به دقت تعیین و اعلام کرد طول آن، چیزی حدود ۴۱ هزار کیلومتر است. درحالی‌که یونانی‌ها تصور می‌کردند ۷۳ هزار کیلومتر است.

«ابن هیثم بصری» برای اولین بار فیزیک رؤیت و شکست نور را تعریف کرد و مبدع اتاق تاریک بود. او پایه ساخت عدسی (ذره بین) را به لحاظ تئوری گذاشت که بعدها رومیان آن را ساختند و هلندی‌ها با گذاشتن ۲ ذره بین (یکی در فاصله کانونی دیگری) در کنار هم میکروسکوپ را اختراع کردند.

«پروفیسور کیدی» در دهه ۱۹۵۰ پژوهشگر، تاریخ‌شناس و تاریخ علم نویسنده آمریکایی در رابطه با تغییر مبنای نجومی بطلمیوسی گفت: تحقیقات بسیاری در زمینه ارتباط مدل کوپرنیک با مدل‌های غیربطلمیوسی در مکتب مراغه (خواجه نصیرالدین) انجام داد. از آنجایی که بعضی از راهکارهای هندسی کوپرنیک برگرفته از کتب منجمان اسلامی است، این ارتباط با قوت بیشتری مطرح می‌شود. قضیه هندسی جفت طوسی (Tusi couple)، روش «فلک تدویر ابن شاطر» برای حذف «معدل المسیر» از جمله مباحثی است که از نجوم دوره اسلامی عیناً در کارهای «کوپرنیک» منعکس شده‌است.

در سال ۱۳۸۹ «پروفیسور راجو» استاد اخترشناسی دانشگاه مالزی در بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه اعلام کرد: جهان غرب طی ۶۰ سال اخیر آگاهی یافته که اثر کوپرنیک، ترجمه‌ای از آثار «ابن شاطر دمشقی» و «خواجه نصیرالدین طوسی» است. این اقدام کوپرنیک نمونه غیر صادقانه دانشوران غربی در استفاده از تحقیقات و یافته‌های این دو دانشمند بزرگ جهان اسلام بوده و آنان سعی در حفظ اسطوره «بطلمیوس» و «کوپرنیک» در جهان دارند.

در تاریخ‌نگاری غربی، دانش نجوم و اخترشناسی با «کلودیوس بطلمیوس» آغاز می‌شود که این فرد توانسته با کتاب «المجسطی بطلمیوس»، ۱۴ سده بر دانش اخترشناسی حکمفرما شود تا اینکه «کوپرنیک» با پیشنهاد نظریه خورشید مرکزی، انقلابی شگرف را در این علم به وجود آورد. وی مطالب مذکور را نادرست می‌خواند و اظهار می‌کند که: مدارکی در جهان دال بر وجود فردی به نام «کلودیوس بطلمیوس» وجود ندارد. آنان می‌خواهند با این اقدام خود، آثار و یافته‌های دانشمندان جهان اسلام را به نام خود کنند.

نمونه‌ای دیگر از سرقت علمی غربی‌ها، کشف گردش خون ریوی توسط «ابن نفیس دمشقی» بود که ۳۰۰ سال بعد «سراتوس» دانشمند اسپانیایی آن را به نام خود ثبت کرد. بعداً گروهی از دانشجویان مصری که در آلمان تحصیل می‌کردند این جعل و سوء استفاده سراتوس را در کتاب «شرح ابن نفیس بر قانون شیخ الرئیس» یافتند و «جرج سارتن» تاریخ علم شناس مشهور معاصر به آن اقرار کرد.

اولین بار «شیخ الرئیس» فرمود که بعضی از بیماری‌های مسری به دلیل انتقال ذراتی است که ما آنها را نمی‌بینیم (اثبات وجود میکروب و باکتری قبل از اختراع میکروسکوپ).

مطلب دیگر سلاح‌های پرتابی آتشین است که توسط مسلمانان ابداع شدند و کماکان هنوز هم اساس ابزار دفاعی و جنگی همین سلاح‌ها هستند. به این ترتیب که چینی‌ها باروت سیاه را با ترکیبی از شوره (نترات پتاسیم) به علاوه ذغال و گوگرد ساختند و با آن آتش‌بازی می‌کردند. در زمان توسعه اسلام به ماوراءالنهر مسلمانان این علم و کاغذسازی را از چینی‌ها آموختند و آن را از شرق به غرب آوردند و همین طور شیوه عددنویسی کنونی را که از هندی‌ها تقلید کردند و مسلمانان بودند که عدد صفر را ابداع کردند و هر ۳ این علوم را مسلمانان و ایرانی‌ها به غرب منتقل کردند. تکنولوژی موشک امروزی نیز بسط یافته آن انتقال علم است. در مورد معنویات و اخلاق هم می‌توان گفت:

الف- در غرب اخلاق و معنویات جایگاه جدی و فراگیر نداشته‌است. از باب مثال در روم برای تفریح اشراف، برده‌ها را به جان هم می‌انداختند تا همدیگر را بکشند ولی در شرق و کشورهای اسلامی یکی از راه‌های بخشش گناهان، آزاد کردن بردگان بود.

ب- مردمان شرق به طور کلی، کشورهای اسلامی به طور اختصاصی و ایران به‌ویژه از چند هزار سال پیش از غربیان به دنبال علم بودند. ایران حداقل ۲۲ هزار سال سابقه تاریخی دارد که به ترتیب از «دامغان» با سابقه ۲۲ هزار ساله، منطقه «سنگ چخماق» در شاهرود با سابقه حدود ۱۱ هزار ساله، «تپه قلی درویش» در قم و «سیلک» در کاشان با سابقه ۷ هزار ساله و «شهر سوخته زابل» با پیشینه ۵ هزار ساله، همه قرائن حاکی از آن است که اهل علم در ایران و کشورهای اسلامی مروج و مبلغ اخلاق و معنویاتند.

این یک مجامله نیست؛ در شرق، کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران تقریباً به اتفاق همه پزشکان، ریاضیدان‌ها، اهل نجوم و فلاسفه در بخشی یا لابه‌لای سخنانشان توجه به خداوند تبارک و تعالی موج می‌زند.

ج- توجه شما را به نمونه‌ای از حدیث نفس «برزویه طبیب» و «بزرگمهر» در زمان «بوزرجمهر» که در نهایت رئیس دانشگاه «جندی شاپور» شد، جلب می‌کنم: «چنین گوید برزویه، مُقَدِّمِ اطبای پارس، که پدر من از لشکریان بود و مادر من از خانه علمای دین زردشت بود، و اول نعمتی که ایزد، تعالی و تقدس، بر من تازه گردانید دوستی پدر و مادر بود و شفقت ایشان بر حال من، چنان‌که از برادران و خواهران مستثنی شدم و به مزید تربیت و ترشح مخصوص گشتم. و چون سال عمر به هفت رسید مرا برخواندن علم طب، تحریض نمودند و چندان که اندک وقوفی افتاد و فضیلت آن بشناختم به رغبت صادق و حرص غالب در تعلم آن می‌کوشیدم، تا بدان صنعت شهرتی یافتم و در معرض معالجت بیماران آمدم. آنگاه نفس خویش را میان چهار کار که تگاپوی اهل دنیا از آن نتواند گذشت مُخیر گردانیدم: وفور مال و لذات حال و ذکر سایر و ثواب باقی. و پوشیده نماند که علم طب نزدیک همه خردمندان و در تمامی دین‌ها ستوده است. و در کتب طب آورده‌اند که فاضل‌تر اطبا آن است که بر معالجت از جهت ذخیرت آخرت مواظبت نماید، که به ملازمت این سیرت، نصیب دنیا هر چه کامل‌تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد؛ چنانکه غرض کشاورز در پراکندن تخم دانه باشد که قوت اوست. اما گاه که علف ستوران است به تبع آن هم حاصل آید. در جمله بر این کار اقبال تمام کردم و هر کجا بیماری نشان یافتم که در وی امید صحت بود، معالجت او بر وجه حِسَبَت بر دست گرفتم.»

هر آنچه به عرض رسید مقدمه‌ای برای ذل مقدمه که به عرض می‌رسد بود و برای جلوگیری از تطویل کلام به صورت فهرست ارائه می‌شود:

ما به عنوان ایرانی مسلمان با فرهنگی طولانی‌تر از همه فرهنگ‌ها و با ژرفایی عمیق‌تر از عمق فرهنگ غربیان، این سبک دانش‌آموختن برگرفته شده از غرب را منطبق بر سنت خویش نمی‌دانیم.

از خداوند متعال می‌خواهیم تا به ما نصرت دهد تا بتوانیم «جندی شاپور»، «بیت الحکمه»، «ربع رشیدی»، «نظامیه»، «مستنصریه» و «شهر زهرا در اندلس» را به صورت روزآمد داشته باشیم.